

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۲۴

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۵

بررسی نظام کارکردهای آینده پژوهی در تبیین آموزه‌های مهدویت

حمیدرضا کاشف^۱

بهنام گلناری آذر^۲

چکیده

آینده پژوهی در عصر کنونی به عنوان ابزاری نوین در تصمیم سازی به کار می رود که مکتب تشیع و پیروان آن نیز از این امر مستثنا نیستند. بی گمان، منظومه فکری اسلام به ویژه منابع شیعه، برتر از هر مکتب فکری بشری، توان تبیین راهبردی ترین مسائل آینده اندیشانه را دارد. اندیشه مهدویت، از جمله بسترهای متعالی در این منظومه به شمار می رود. اعتقاد به منجی آخرالزمان، مطلوب بیشتر ادیان است، اما ظرفیت بهره مندی از آموزه های آینده نگرانه مبتنی بر وحی، جز در تشیع و آموزه های مهدویت، در توان دیگر نحله ها نیست.

این نوشتار، بررسی تحلیلی جامعی درباره مهدویت و کارکردهای آینده پژوهانه آن مبتنی بر منابع معتبر شیعی در حیطه مباحث علم شناسی فلسفی مشتمل بر ابعاد پنج گانه معرفت شناسی، روش شناسی، هستی شناسی، ارزش شناسی و نشانه شناسی است. هدف از این پژوهش، شناسایی خطوط کلی آموزه های مهدویت در قلمرو آینده پژوهی با روش تحلیلی - توصیفی و کاربردی است. نظام معرفت شناختی آینده پژوهی متضمن مفاهیم، روش ها و ابزارهایی است که برخی از آنها برای مطالعات گسترده و فهم آموزه های الهی و وحیانی مهدویت، کاربردی مناسب دارند.

واژگان کلیدی

آینده پژوهی، مهدویت، علم شناسی فلسفی، نظام معرفت شناختی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین ناجا (نویسنده مسئول) (Kashef1348@yahoo.com).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مرکز تحقیقات کاربردی معاونت عملیات ناجا.

مقدمه

به باور شیعه، انسان کامل و آخرین ذخیره الهی اکنون زنده و از دیدگاه غایب است، اما در آینده‌ای نامعلوم ظاهر خواهد شد؛ گرچه برخی از پاکان و اولیای الهی توفیق تشریف به حضور ایشان را داشته و دارند. نظام فلسفی ایمان به انسان کامل و آخرین ذخیره الهی در مکتب تشیع یا همان مهدویت دربرگیرنده آموزه‌های بسیار غنی و سازنده‌ای برای تفکر آینده‌نگر است، به گونه‌ای که با تفکر در این نظام پویا می‌توان برای شناخت خطوط کلی نظام آینده‌نگری اسلام و مبانی آن، بهره‌های ارزشمندی به دست آورد. این واقعیت بر نظام‌های معارض با آرمان‌های متعالی اسلام گران می‌آید و از این رو، تلاش‌های گسترده‌ای در سطح جهانی صورت می‌گیرد که اندیشه آسمانی مهدویت، با تکنیک‌ها و ابزارهای هنری و رسانه‌ای و توسل به روش‌های علمی و آینده‌نگر - که کارکرد سلبی دارند - استحاله گردد یا به فراموشی سپرده شود. این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که بررسی آینده‌پژوهانه در عرصه مهدویت، چه دستاوردهای نظری و عملی ویژه‌ای در قلمرو پژوهش‌های آینده‌پژوهانه دارد؟

پیشینه آینده‌پژوهی

از نخستین روزهای خلقت، تمام روش‌های پیش‌گویی، با شیوه‌های گوناگون در پی ترسیم و تصویرسازی آینده بوده‌اند و مهم‌ترین راه‌های کسب معرفت در خصوص آینده از دیرباز مشتمل بر ستاره‌بینی،^۱ پیش‌گویی^۲ و پیش‌نگری^۳ بوده است. به اعتقاد سهیل عنایت‌الله، ستاره‌بینی از این نظر اهمیت داشت که بشر میان حرکات ستاره‌ها و زندگی انسان‌ها ارتباطی احساس می‌کرد و باور داشت که میان آسمان و زمین نوعی هماهنگی و ارتباط وجود دارد. در واقع، ستاره‌بینی یک سیستم هشدار اولیه برای اجتناب از مخاطرات آینده و کنترل آن بود (Inayatullah, 2007).

وندل بل نیز معتقد است نمونه‌هایی دیگر از روش‌های پیش‌بینی و غیب‌گویی،^۴ مثل تعبیر خواب و رؤیا،^۵ غیب‌گویی و آینده‌خوانی از روی شعله آتش،^۶ ترک برداشتن استخوان کتف حیوانات^۷ و بسته شدن پنیر^۸ شناسایی شده است (Bell, 2003). گفتنی است امروزه نیز

1. Astology
2. Prophecy
3. Prediction
4. Prophecy
5. Oneiromancy
6. Pyromancy
7. Scapulimancy
8. Tyromancy



بسیاری از افراد در سراسر جهان به این روش‌های سنتی همچنان پای بند هستند. امروزه، آینده‌پژوهی در مراکز تحقیقاتی، دانشگاهی، نظامی و سیاسی گسترده‌ای همچون انجمن جهانی آینده مطالعه می‌شود و از قالب‌های کهن و غیر علمی گذشته فاصله گرفته و به مجموعه گسترده‌ای از روش‌های نظام‌مند همچون پیمایش‌های دلفی،^۱ تحلیل روند،^۲ پانل‌های خبرگان^۳ و طراحی سناریو^۴ تبدیل شده است (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۵۳).

مفهوم آینده‌پژوهی

تاکنون تعاریف گوناگونی برای آینده‌پژوهی و مفهوم آن ارائه شده است که در این جا به دو تعریف جامع و مهم از میان آن‌ها بسنده می‌شود:

۱. تعریف جامعه‌شناختی و ندل بل

آینده‌پژوهی از اومانیزم یا انسان‌گرایی^۵ مدرن است که هم فلسفی است و هم علمی و ماهیتی سکولار^۶ دارد. آینده‌پژوهان - یعنی فعالان حوزه مطالعات آینده - تلاش می‌کنند از آینده رمزگشایی کنند؛ روش‌های خود را شفاف سازند؛ نظام‌مند و عقلایی عمل کنند و نتایج مطالعاتشان را بر مشاهدات تجربی واقعیت بنا نهند. ایشان از خلاقیت و شهود خویش نیز بهره می‌برند (Bell, 2003).

۲. تعریف معرفت‌شناختی سهیل عنایت‌الله

آینده‌پژوهی، بررسی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح،^۷ جهان‌بینی‌ها و پشتوانه‌های اساطیری هر آینده است. آینده‌پژوهی از دیرباز مشتمل بر بررسی نیروهای بیرونی و اثرگذار بر آینده - طالع‌بینی و پیش‌گویی - بوده که بعدها به سمت مطالعات ساختاری (الگوهای تاریخی تغییر و ظهور و سقوط ملت‌ها و نظام‌ها) و عاملیت انسانی (مطالعه و خلق تصاویر مرجح مربوط به آینده) حرکت کرده است (Inayatullah, 2007).

مراد از بعد فناورانه آینده‌پژوهی، کاربرد مهارت‌ها، نوآوری‌ها، توان‌مندی‌ها و ابزارهای دانشی در حوزه آینده‌پژوهی است که به تغییرات بنیادین در تصمیم‌سازی‌ها و اقدامات آینده‌پژوهانه می‌انجامد. برای مثال، استفاده از مهارت‌ها و ابزارهای خلاقیت و نوآوری یکی از

1. Delphi surveys
2. Trend analysis
3. Expert panels
4. Scenario planning
5. Humanism
6. Secular
7. Possible Probable and Preferable Futures

وجوه فناورانه‌ای است که در حوزه آینده‌پژوهی اهمیتی بالا دارد.

ویژگی‌های آینده‌پژوهی

از میان ویژگی‌های اصلی تفکر آینده‌نگر که در تبیین آموزه‌های مهدویت قابل بهره‌برداری است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مشارکتی، هنجاری، پویا و مبتنی بر اجماع خبرگان؛
۲. تلاش در ارائه الگوها و سناریوهای آینده؛
۳. جامعیت، نگاه جهان‌شمول و کلان‌نگری و دربرگرفتن موضوعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛
۴. اهمیت دادن به اقدامات فردی یا جمعی به عنوان عامل محرک روندها؛
۵. تلاش برای فهم ممکنات و امور امکان‌پذیر (آینده‌های ممکن)، امور احتمال‌پذیر (آینده‌های محتمل) و مرجحات (آینده‌های مطلوب).
۶. تلاش در درک بهتر و شفاف از تصاویر آینده (Bell, 2003).

گونه‌شناسی روایت مهدویت

مباحث مهدویت بر آیات کریمه قرآن و روایات صحیح رسیده از معصومان بزرگوار استوار است. پیش‌نیاز و مقدمه هرگونه پژوهش در این جهت، دسته‌بندی تحلیلی آیات و روایات مهدویت است که بتوان میان مهدویت و آینده‌پژوهی ارتباط منطقی برقرار کرد. یکی از مبادی مهم پژوهش در این قلمرو، «گونه‌شناسی روایت مهدویت» است. بررسی‌ها نشان می‌دهد روایات مهدویت از چهار جهت، آینده را ترسیم می‌کنند:

۱. وضعیت، نشانه‌ها و زمینه‌های ظهور؛
۲. حوادث پس از ظهور؛
۳. دولت پس از ظهور (اهداف و مأموریت‌های آن)؛
۴. وظایف مؤمنان منتظر.

کارکردهای آینده‌پژوهی در تبیین آموزه‌های مهدویت

بنابر مقدمات پیشین، برای درک و فهم آموزه‌های بنیادین و آسمانی مهدویت می‌توان از کارکردها و اصول منطقی و عقلایی آینده‌پژوهی کمک گرفت. از این رو، آنچه در ادامه می‌آید، تحلیلی است بر کارکردهای آینده‌پژوهانه آموزه‌های مهدویت.

کارکرد معرفت‌شناختی^۱

از جمله ابعاد یا اضلاع شناخت علوم در رویکردهای نوین به علم، بررسی «مبانی معرفت‌شناختی» آن‌هاست. آینده‌پژوهی نیز به مقتضای مبانی معرفت‌شناختی و مطالعه آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، دربرگیرنده رویکردهایی بنیادین نسبت به موضوع مورد بررسی خود یا همان مؤلفه آینده است. با این نگاه، وجود «رویکردهای اکتشافی»^۲ و «تصویرپردازانه»^۳ در آینده‌پژوهی در فهم اندیشه آرمان‌شهر مهدوی موضوعیت بسیار مهمی دارد؛ زیرا با نگاه آینده‌پژوهانه به اقسام روایاتی که در باب شرایط و علایم زمان ظهور وجود دارد، فهم جامعی از این روایت به دست می‌آید به ترتیب زیر:

۱. رویکرد اکتشافی^۴

رویکرد اکتشافی بر آینده‌های باورپذیر متمرکز بوده و شکل‌گیری رویدادهای باورپذیر آینده نیز تابع سلسله قوانین و سنت‌های طبیعی و محتوم است که در پرتو روابط علت و معلولی و با پی‌گیری روندها و رویدادهای گذشته تا حال می‌توان خط سیر آن‌ها را تعقیب کرد. آینده‌پژوهان بر مبنای رویکرد اکتشافی و بر حسب محاسبات عقلی و علمی در جهت این پیش‌بینی تلاش می‌کنند که در آینده چه چیزهایی تحقق می‌یابد و چه رویدادهایی بر آینده اثر می‌گذارد. بر این اساس، اخبار مبتنی بر وقوع رویدادی مهم در آینده، ناظر بر زنجیره علت و معلولی رویدادها هستند و دقت در آن‌ها کاشف رویدادی مهم در آینده است. بخشی از روایاتی که به پیش‌گویی‌های ائمه در خصوص رویدادهای آینده اختصاص دارند، با رویکرد اکتشافی مرتبط هستند که با تحلیل این روایت می‌توان از اخبار ظهور، برداشتی اکتشافی کرد نظیر این روایت از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود:

گویی قومی را می‌بینم که از مشرق قیام کرده‌اند؛ حق را می‌طلبند، اما به آن‌ها داده نمی‌شود، ولی آن‌ها از پای نمی‌نشینند. از این رو، سلاح به دست می‌گیرند. در نتیجه، آن‌چه می‌خواستند، به آن‌ها داده شود و آن‌ها نمی‌پذیرند تا آن‌که قیام می‌کنند و حکومت را فقط به صاحب شما تحویل می‌دهند. کشته‌شدگان آن‌ها شهیدند و اگر من آن زمان را درک می‌کردم، وجودم را برای صاحب این امر وقف می‌نمودم.
(مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۲، ۲۴۳)

1. Epistemological
2. Exploratory
3. Imaginary
4. Exploratory

خطبه‌های ۱۰۰، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۵ و حکمت‌های ۱۴۷ و ۲۵۹ نیز نمونه‌هایی از اخبار قطعی آخرالزمان است.

۲. رویکرد تصویرپردازانه^۱

«رویکرد تصویرپردازانه آینده‌پژوهی» با روایات مرتبط با مهدویت سازگاری و پیوند عمیقی دارد؛ زیرا آرمان حقیقی بشر و چشم‌انداز برتری که در پهنه هستی می‌تواند محقق شود، در این‌جا ترسیم می‌شود. آینده‌پژوهی تصویرپردازانه رکن مهمی از آینده‌پژوهی است که با خلق آینده مرجح و چشم‌اندازهای برتر سر و کار دارد. افزون بر این که تحقق جامعه پایدار و دارای رفاه بشر یکی از اهداف بنیادین بشری است. هوبلی^۲ به نقل از ادوارد کورنیش^۳ از آینده‌پژوهان برجسته و مؤسس انجمن جهانی آینده - به سه هدف مهم آینده‌پژوهی اشاره می‌کند که یکی از آن‌ها همین موضوع است:

آینده‌پژوهی، متعالی‌ترین اندیشه‌ها و مهارت‌ها را برای افزایش سهم بشر از حیات در اختیار دارد. ترسیم فضایی که در آن، انسان‌ها به خوبی تغذیه می‌شوند، لباس‌های فاخر می‌پوشند، از امکانات تحصیلی خوبی برخوردارند و محیط زندگی‌شان از امنیت و رفاه اجتماعی سرشار است، نمونه‌هایی از این دست اندیشه‌های متعالی است. (Hoyle, 1995)

آینده‌پژوهان و نیز رهبران بزرگ به مقتضای این رویکرد، پیشاپیش، آرمان‌های مطلوب و مورد انتظار خویش را در ذهن ترسیم و تصویر می‌کنند. آن‌گاه افراد و جوامع را به سوی آن سوق می‌دهند و موجب حرکت‌های اجتماعی سازنده می‌شوند. در مقوله روایاتی که درباره دولت پس از ظهور، اهداف و مأموریت‌های آن وجود دارد، به خوبی می‌توان دریافت که امامان معصوم زیباترین وضعیت ممکن از آینده را به تصویر کشیده و جامعه مسلمانان را برای تمامی زمان‌ها به سوی آن راهبری کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به روایتی اشاره کرد از رسول اکرم ﷺ که فرمود:

و يبلغ سلطانه المشرق والمغرب؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۳۱)
سلطنت مهدی ﷺ شرق و غرب عالم را در بر خواهد گرفت.

نوید برپایی دولت یا حکومت مطلوب اسلام که مطلوب تمامی انسان‌هاست، در این

1. Visionary
2. Hoyle
3. Edward Cornish

سنخ روایات، به عنوان مطلوب‌ترین تصویر آینده به خوبی ترسیم شده است که جهان در رسیدن به این آینده و محقق ساختن چنین دولت ارزشمند و مطلوبی از حرکت سازنده خویش غافل نماند.

کارکرد روش شناختی^۱

روش‌های آینده‌پژوهی همچون سناریوپردازی، نقشه راه و طراحی چشم‌انداز، از جمله روش‌هایی هستند که در فرایند درک و فهم بهتر آموزه‌های ناب مهدوی می‌توانند نقشی مؤثر اجرا کنند. به عنوان شاهدی بر کارکرد روش شناختی آینده‌پژوهی، به یک مورد اشاره می‌شود:

روش سناریوپردازی

در این روش که نخستین بار توسط یکی از آینده‌پژوهان برجسته به نام هرمان کان^۲ معرفی شد، تصاویری از آینده‌های محتمل به شکل روایت‌های داستانی و جذاب ترسیم و به جامعه معرفی گردید. این روایت‌ها در واقع، احتمالات و صورت‌های مختلفی از آینده‌های ممکن و محتمل هستند که بر اساس مطالعات و بررسی‌های عمیق و چندین ساله گروهی از خبرگان عرصه‌های گوناگون علمی پیش‌بینی شده‌اند. وظیفه خبرگان و مردم این است که از هر جهت، برای رویایی با هر کدام از این احتمالات یا بدیل‌های محتمل آینده، آمادگی لازم کسب کنند که در صورت مواجهه با هر کدام از این آینده‌های احتمالی، از مخاطرات و پیشامدهای همراه آن غافل نباشند و با اقداماتی از پیش طراحی شده، آمادگی دفع آن‌ها و غلبه بر آن‌ها را داشته باشند. افزون بر این، باید پیشامدها یا حوادثی که محرک وقوع هر کدام از این احتمالات خواهد بود، شناسایی شود. این روش در قلمرو مهدویت از این کارایی برخوردار است، بدین صورت که با استناد به روایات صحیح رسیده از معصومان و استفاده از تکنیک پس‌نگری می‌توان گام‌ها و مسیرهای رسیدن به حال را از سوی آن سناریو یا آینده ترسیم کرد.

کارکرد هستی‌شناختی^۳

بنابر دیدگاه هستی‌شناختی، وصف‌های گوناگونی از آینده‌پژوهی و ابعاد تشکیل دهنده آن

1. Methodological
2. Herman Kahn
3. Ontological

ارائه شده که در میان آن‌ها، دیدگاه آینده‌پژوه برجسته، جیمز دیتور^۱ جامع‌ترین وصف هستی‌شناختی از ابعاد آینده‌پژوهی است. دیتور بر این باور است که آینده از تعامل و هم‌گرایی چهار مؤلفه «رویداد»، «روند»، «کنش» و «تصویر» شکل می‌گیرد (Slaughter, 1996)، بدین معنا که در طراحی اقدامات آینده، باید به این چهار نکته توجه اساسی کرد؛ زیرا کنش‌ها یا اقدامات آینده بشر، تصاویری است که او در ذهن و ضمیر خود می‌پروراند. همین‌طور، روندهای حاکم برگزیده و حال که می‌توانند مسیر آینده را تا حدودی روشن و شفاف نشان دهند و نیز رویدادهای مرتبط با بشر که بر جوامع و انسان‌ها آثار عمیقی می‌گذارند، مؤلفه‌هایی هستند که آینده‌پژوهان نسبت به آن‌ها اعتنای ویژه نشان می‌دهند. به اعتقاد دیتور و دیگر آینده‌پژوهان برجسته، دو مؤلفه آخر یعنی «تصاویر» و «اقدامات» با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند؛ زیرا مردم اقدامات خود را بر مبنای تصاویری انجام می‌دهند که از آینده دارند. در واقع، یکی از مأموریت‌های آینده‌پژوهی این است که به مردم کمک کند تا آنان تصویرها و اقدامات خود را از محدوده کوشش‌های منفعلانه فراتر ببرند و بکوشند آینده را پیش‌بینی کنند و آن‌گاه طرح‌های علمی خود را بر مبنای این پیش‌بینی‌ها پیش ببرند (Slaughter, 1996). به همین دلیل، آینده‌پژوهی را «علم اقدام» نامیده‌اند؛ علمی که متضمن اقدام یا کنش آگاه و پیش‌دستانه به منظور مدیریت عاملان و فاعلان در آینده است.

در نامه‌ای که از امام عصر^{علیه السلام} رسیده است، ایشان به یکی از زمینه‌ها و بسترهای مهم معنوی که در واقع، کنش یا اقدامی زمینه‌ساز برای نزدیک شدن و تقرب به آن حضرت است، اشاره می‌فرماید و آثار اعمال شایسته و کنش‌های ارزشمند را برمی‌شمرد و تصویری مطلوب از پیامدهای عمل به این دستورها را متذکر می‌شود:

اگر شیعیان ما که خداوند آنان را بر انجام دادن طاعت خویش موفق گرداند، در عمل به پیمانی که بر عهده دارند، هم‌دل می‌شدند، افتخار دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می‌شد؛ دیداری همراه با شناخت حقیقی و صداقت آنان نسبت به ما و آن‌چه را از شیعیان دور نگه می‌دارد، کردارهایی از ایشان است که به ما می‌رسد و برای ما ناخوشایند و دور از انتظار است. (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۳، ۱۷۷)

بر اساس دیدگاه هستی‌شناختی به اخبار مهدویت، جمیع روایات مرتبط با آرمان شهر

1. James Dator
2. Actin Science

مهدوی که از دوران پس از ظهور و برپایی حکومت جهانی حضرت در آینده‌ای قطعی خبر می‌دهند، با مؤلفه آینده‌پژوهانه تصویر در ارتباط هستند و به نوعی تصویرسازی آن دوران آرمانی حکومت صالحان بر روی زمین را نوید می‌دهند. بنا بر این دیدگاه، آنچه امروز با عنوان جهانی شدن یا جهانی‌سازی از آن یاد می‌شود، از نظر هستی‌شناختی، ماهیتی مغایر با آرمان بزرگ اسلام و بشر دارد؛ زیرا در منطق دنیای امروز، جهانی شدن، پروژه یا پروسه‌ای (فرایندی) است تحت هدایت گروهی اندک یا پروسه‌ای به شکل یک حرکت طبیعی به سمت تحقق منافع عده‌ای یا جامعه‌ای خاص. نگاه هستی‌شناختی اسلام به مقوله جهانی شدن عبارت است از حرکت محتوم الهی به سوی آینده مطلوب و سرشار از مساوات و عدالت برای تمامی بشر، نه حرکت به سمت سلطه و انتفاع گروهی خاص. در این منطق، جهانی‌سازی نیز عبارت است از تلاش و اقدام آگاهانه برای تحقق وعده قطعی الهی در برپایی حکومت عدل صالحان و پاکان بر روی زمین.

کارکرد ارزش‌شناختی^۱

بنا بر کارکرد ارزش‌شناختی، یکی از مؤلفه‌های ارزشی و مورد تأکید در تفکر آینده‌نگر، مفهوم آمادگی و هوشیاری نسبت به آینده برای غافل نماندن از آینده و رویدادهای محتمل همراه با آن است. کارکرد ارزش‌شناختی آینده‌پژوهی به برجسته‌سازی معیارهای اخلاقی در مواجهه با آینده ناظر است. برای مثال، یکی از مفروض‌های مهم آینده‌پژوهی، توجه به رفاه و آسایش نسل‌های آینده در برنامه‌ریزی‌های زمان حال است، بدین شکل که در استفاده از ذخایر موجود، توجه به حقوق آیندگان اهمیت بسیار دارد. با چنین نگاهی به آموزه‌های مهدوی می‌توان به مفهوم آن دسته از روایاتی پرداخت که از فضایل و ارزش‌های اخلاقی مورد توجه و توصیه در اخبار مهدوی سخن می‌گویند. برای مثال، یکی از محورهای مورد تأکید در این روایات، مسئله «انتظار» است. از نگاه ارزش‌شناختی، بخشی مهم از اخبار و آثار مهدوی، در زمینه فضیلت انتظار، حرکت سازنده، وظایف منتظران (برای حال و آینده) و مفاهیمی از این دست سخن می‌گویند و رویکرد ارزش‌گرایانه آن، تماما برای ایجاد آمادگی برای آینده است. این بخش از روایت، انتظار را در مفهوم «فاعلیت» و «عاملیت» مسلمانان و دوری از «انزوا» و «رفتار انفعالی» ترسیم می‌کنند؛ انتظاری که با کنش^۲ و کشش^۳ آگاهانه به سوی اهداف متعالی دین

1. Axiologic
2. Action
3. Tension

همراه است. روایات، برای انتظار، آثار، فواید، پیامدها و درس‌های بی شماری را مترتب ساخته‌اند و نشان می‌دهند که موضوع انتظار در اسلام نه تنها به عنوان راهبردی متعالی فضیلت دارد، بلکه نسبت به تمامی برنامه‌های کلان جامعه افضل است. در واقع، موضوع انتظار در مسیر تحقق آینده، به تنهایی موضوعیت دارد و در تحقق آرمان شهر مهدوی، توجه به ابعاد گسترده و عمیق مفهوم انتظار، راهبردی اساسی به شمار می‌رود. از این رو، از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام، تعبیرهای فراوانی چون «افضل الاعمال» (همو: ج ۵۲، ۱۲۲) یا «من افضل العباده» (همو: ۲۵) یا «افضل الجهاد» (همو: ۱۴۳) برای انتظار فرج صادر شده است که مجموعه این تعبیرها با نگاه آینده‌اندیشانه بر توصیه به یک راهبرد مهم و حیاتی دلالت می‌کنند و آن، تصور، تجسم یا احساس زندگی در دوران فرج است. به طور خلاصه، روایات انتظار مشتمل بر پیام‌های آینده‌پژوهانه بنیادین زیر هستند و به این دلیل اهمیت دارند که تفکر انفعالی و ایستا و نیز انتظار برای فراگیر شدن معاصی را منتفی می‌سازند و انتظار پویا، آینده‌نگر و هویت‌بخش را به ارمغان می‌آورند:

- تأکید بر نگاه و توجه دایمی به دوران ظهور، نه منتظر ماندن برای رسیدن آن دوران از این روست که در تعبیرهای امامان، انتظار فرج بخشی از فرج دانسته شده است؛

- پویایی و حرکت؛

- مدیریت عصر انتظار و لوازم آن همچون پرهیز از پیش‌گویی (زمان ظهور) که در روایات از آن نهی شده است؛

- توجه به اقدامات جمعی آینده‌نگر یا پیشران‌های تحقق ظهور دولت مهدوی؛

- تعیین شاخص‌های نزدیک شدن به عصر ظهور.

کارکرد نشانه‌شناختی^۱ آینده‌پژوهی

از جمله کانون‌های توجه آینده‌پژوهی، موضوع پیشران‌ها و نحوه اثرگذاری آن‌ها بر آینده و نیز علایم ضعیف تغییر است. علایم حتمی یا غیر حتمی ظهور را که پیش‌زمینه عصر ظهور هستند، از جهاتی می‌توان پیشران تحقق آرمان شهر مهدوی و از جهاتی، علایم ضعیف تغییر به سوی تحقق جامعه آرمانی ظهور قلمداد کرد؛ زیرا روایت‌ها بر این نکته تأکید می‌کنند که مشاهده علایم بر نزدیک‌تر شدن به آن آینده حتمی دلالت می‌کند و از تطبیق عالمانه اخبار صحیح‌السند با علایم مشاهداتی، جهت‌درک و فهم آینده و

1. Semiotic

آمادگی هر چه بیشتر برای رسیدن به آن زمینه لازم فراهم می‌شود. از این رو، در زبان آینده‌پژوهی، توجه به علایم ضعیف تغییرات، همان علایم ظهور به زبان مهدویت به شمار می‌رود (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۳۵).

نکته مهم و مشترک در هر دو حوزه، آمادگی برای رویارویی با تحولات فرارو و رصد تغییرات است. آموزه‌های آینده‌پژوهی بر پایش^۱ و پویش^۲ تغییرات صحنه می‌نهد. روایات نیز به مفهوم آمادگی توجه می‌کنند و معصومان همواره پیروان خود را به آمادگی و انتظار توصیه کرده‌اند. آمادگی برای غافل نماندن از هر علامت ضعیفی از تغییر و غافل نماندن از رویدادی شگفت‌انگیز که احتمال وقوعش به ظاهر کم است، اما تأثیراتش، پیش‌بینی‌ناپذیر. کارکرد نشانه‌شناسی، ارائه سازوکار هشدار سریع و بهنگام برای مواجهه با آینده و رویدادهای محتمل آن است (واسعی، ۱۳۹۰: ۴۵).

در نوع روایات صادرشده از ائمه علیهم‌السلام نسبت به علایم حتمی، تأکید بر این است که نباید از علایم حتمی و پیش‌بران‌های ظهور غافل بود. برای نمونه، تأکید بر ناگهانی بودن ندای آسمانی و حرکت سفیانی، مؤید این نکته است که آخرالزمان نشانه‌هایی دارد که باید آن‌ها را شناخت و نسبت به آن‌ها آگاهی عمیق پیدا کرد. باید به میزان کافی نسبت به رویدادهای محتمل آینده و پیش‌زمینه‌ها و علایم پیش از وقوعشان حساس بود. بنابراین، یکی از مزایای چنین رویکردی، ایجاد حس تعهد نسبت به آینده و فرصت‌ها و مخاطرات آن خواهد بود (بهروزی‌لک، ۱۳۹۰: ۶۰).

نتیجه‌گیری

ویژگی مهم آینده‌پژوهی، ابعاد روش‌شناختی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و نشانه‌شناختی آن است. از این رو، می‌توان به عنوان یکی از چارچوب‌های معرفتی و نظری در شناخت و اکتشاف اخبار مهدویت از آن بهره گرفت. هر چند اخبار و حیانی مهدویت، خود، از هر نوع ابزار بشری آگاهی‌رسانی بی‌نیاز است، می‌توان از نظام فکری و فلسفی و ابعاد سازگار آن با نظام مهدویت بهره گرفت تا روشنگری بهتر و بیشتری در ذهن مخاطبان نسبت به اخبار آرمان‌شهر مهدوی ایجاد شود. بر این اساس، نظام معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی متضمن مفاهیم، تکنیک‌ها، روش‌ها و ابزارهایی است که برخی از آن‌ها برای مطالعات گسترده به منظور فهم آموزه‌های الهی و وحیانی مهدویت

1. Scanning
2. Scimming

کاربرد مناسبی دارند.

درون مایه اصلی مهدویت همچون آینده پژوهی، موضوع آینده است و از آن جا که یکی از مصادیق غیب در اندیشه اسلام، موضوع آینده است، درمی یابیم که در متون دینی ما در تبیین ویژگی های جهان آخرت و آخرالزمان تعمدی وجود دارد. بنا بر اراده الهی، موضوع معاد که ماهیتی آینده نگرانه دارد، یکی از ارکان اصلی و اعتقادی دین است و همان گونه که مشاهده شد، بخش بزرگی از آیات و روایات به دو آینده محتوم دنیوی (مهدویت) و اخروی (معاد) اختصاص یافته است که ضرورت دارد به هر شکل ممکن برای تبیین نظام آینده نگری اسلام تلاش عالمانه و محققانه صورت گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مشرق

سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۵

۱۰۶

منابع

- بهروزی لک، غلام‌رضا (۱۳۹۰ش)، کاربرد روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، تهران، امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲ش)، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۹ش)، ترجمه نهج البلاغه، تهران، علمی و فرهنگی.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۸ق)، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاريخ العربی.
- واسعی، علی‌رضا (۱۳۹۰ش)، «فرجام تاریخ»، فصل‌نامه تاریخ اسلام، سال دوازدهم، شماره سوم.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۰ش)، تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه: حسین احمدی، تهران، کتاب سرد.
- Bell, Wendell (2003), Foundation of Futures Studies, New Brunswick (USA) and London (UK): Transaction publishers
- Hoyle, John (1995), Leadership and Futuring: Making Visions Happen, Thousand Oaks: corwin Press
- Inayatullah, Sohail (2007), Questioning the Future. Taiwan: Tamkang University
- Slaughter, Richard (1996), New Thinking For a New Millennium, London and New York: Routledg



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی